

نوشته: حقوقدان جناب دستگیر صادقی



افغانستان بدترین نمونه آپارتاید جنسیتی در جهان

آپارتاید (به انگلیسی: Apartheid) یا جدایی نژادی یکی از اشکال تبعیض نژادی را بیان می‌کند و از نظر لغوی به معنای مجزا و جدا نگهداشتن است. آپارتاید یعنی جدا نگه داشتن افراد متعلق به نژادهای غیرسفید، مجبور کردن آنها به اقامت در محلات و استان‌های خاص، محروم کردن آنها از کلیه حقوق سیاسی و امکان تحصیل و پیشرفت. سیاه پوستان در افریقای جنوبی در دوران آپارتاید در مناطقی که مجبور به اقامت در آن می‌شدند، حق خارج شدن از آنجا را نداشتند. این سیاست برای مدت طولانی در ایالات متحده آمریکا نیز به گونه خشن تطبیق شده است. این واژه در باره نظام تبعیض نژادی وارد ادبیات حقوقی گردید و سپس در جهان فراگیر شد. پنجاه سال پیش از این «کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید» در تاریخ سی ام نومبر ۱۹۷۳ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و بر اساس این کنوانسیون آپارتاید «جنایتی علیه بشریت» شناخته شده و تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی به شمار می‌رود.

واژه آپارتاید در جریان این همه سالها با تحولات روز، مصادیق تازه‌ی یافته که «آپارتاید جنسیتی» یکی از آنهاست. اعمال آپارتاید جنسیتی به معنی وضعیتی است که یک حکومت بطور ساختاری، زنان و مردان را با تصویب قوانین و اعمال مقررات و به ضرب مجازات، بردیگری برتری دهد.

در روشنی آنچه گفته شد به آپارتاید جنسیتی در افغانستانی پس از به قدرت رسیدن طالبان می‌پردازیم.

مبرهن است که طالبان پس از یک معامله بسیار ننگین با امریکا و تصرف قدرت در کابل و با تمثيل قدرت، تطبيق قوانين شرعى سختگيرانه‌يى را به اجرا گذاشته اند و در چهارچوب آن، زنان و دختران را از حقوق طبيعى و اساسى آنان بطور كامل محروم ساخته و آنان را با تبعيض سيستماتيك جنسيتى مواجه گرداننده اند.

در شرايط کنونى، افغانستان تحت يك ديكتاتورى هولناك قرار دارد و حقوق بشر، حقوق مدنى، سياسى، فرهنگى، دينى و اقتصادى شهروندان آن به طور سسيستماتيك در معرض نقض قرار دارد. زنان و دختران در زندان‌هاى سرباز و يا سر بسته به سر مى‌برند و از هر نوع حقوق فردى و اجتماعى و سياسى و بشرى خود محروم شده اند. طالبان به خشن ترين وجه شهروندان افغانستان را سرکوب و کشتار مى‌کنند و به نقض پيهم حقوق بشر همچنان ادامه مى‌دهند.

طالبان در کنار محروم نمودن زنان از حقوق اساسى شان، بازداشت خودسرانه زنان و دختران را به اوج رساننده اند و به دليل رفتار تبعيض آميز خود به افزايش سطح ازدواج کودکان و ازدواج اجبارى در افغانستان کمک کرده اند. حتى زنانى که به طور مسالمت آميز براى تامين حق آموزش و کار و رفع اين محدوديتها و سياستها اعتراض کرده اند، مورد آزار، تهديد، دستگيرى، ناپديد شدن اجبارى، بازداشت و شکنجه قرار گرفته اند.

اين فرهنگ منحط، بدوى و به شدت ضد زن از کجا ناشى شده است؟ همه مى دانيم که بخش بزرگى از گروه طالبان از آوان کودکى، در مدرسه هاى دينى و جهادى زير ستم و شلاق آموزگاران بى رحم، با تطبيق قوانين خود ساخته گويا شرعى و زير نظارت مستقيم دستگاه بدنام استخبارات نظامى پاكستان به صفت يك لشكر نيابتي پرورش يافته و آموزش ديده اند. اين کودکان معصوم با استفاده از فقر نهادينه شده در روستاهای افغانستان، جذب مدرسه های دينى گردیده و در دوران آموزش از مهر و محبت مادري بطور كامل محروم گرداننده شده اند. در آموزش اين کودکان «زن» به مثابه، نهاد فساد، شر و گمراهى جلوه مى‌کند. شنيدن صدای زن، ديدن سيمای وي، حتا آواز کفش پای آنان، «مومنان» را گمراه مى سازد! زير ستم اين تعاليم و آموزشهاى منحط بايد زن را هرچه بيشتري و بطور كامل از زنده گى اجتماعى محروم ساخت. بنابرآن، آنچه در افغانستان مى

گذرد و آنچه را طالبان در عمل پیاده می‌کنند، بر بنیاد همان آموزش‌ها و برنامه‌هایی است که از کودکی آموخته‌اند، تلقین شده‌اند و در ذهن و روان‌شان حک شده است. این «فرهنگ» صرفن طالبانی است و به مردم افغانستان و به هیچ کدام قوم و قبیله‌ی وابسته نیست. هیچگاه نباید اجازه داد که این فرهنگ منحط و فاسد را زیر نام مردم افغانستان و فرهنگ این سرزمین باستانی گسترش دهند.

از اثر این ظلم و ستم طالبانی، زنان و دختران آزاده و دلیر زیر شعار و درفش حق کار و آموزش و رو در رو با دژخیمان طالبانی به جاده‌ها ریختند و پژواک دادخواهی خود را در کشور و خارج از کشور هر چه بیشتر بلند و بلندتر کردند. در کنار اعتراضات بسیار بر ضد محدودیت‌های وضع شده توسط طالبان، شماری از کنشگران و فعالان تامین حقوق اساسی و انسانی زنان در افغانستان و به هدف به رسمیت شناختن «آپارتاید جنسیتی» که از سوی طالبان انجام می‌شود دست به اعتصاب غذایی نیز زده‌اند که نقش بانوی عزیز تمنا زریاب پریانی و دوستانش در پیگیری این اعتصاب در آلمان بسیار برجسته بوده است.

این فریاد دادخواهی در شهرها و همچنان تالارهای نهادهای بین‌المللی نیز بی‌پاسخ نمانده و در همه جا به نحوی بازتاب یافته است.

بنابر گزارش‌هایی رسانه‌های بین‌المللی، سازمان ملل در یک اعلامیه‌ی همزمان با گرد آمدن رهبران جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت مقابله با «چالش‌های جدی چند بعدی» که زنان افغانستان با آنها روبرو هستند و نیز حمایت پرشور از حقوق و منزلت اساسی زنان و دختران افغانستان را که در حال افزایش است، مطرح ساخته است.

ریچارد بنت، گزارش‌گر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای افغانستان، گفته که آزار و اذیت جنسیتی زنان توسط طالبان را می‌توان به‌عنوان مصداق جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی مورد بررسی قرار داد. او در گزارش‌هایش گفته که طالبان با از بین بردن چهارچوب‌های قانونی و سازمانی در افغانستان با افراطی‌ترین شکل زن‌ستیزی می‌کنند.

وی از کشورهای جهان خواست تا «آپارتاید جنسیتی» در حال وقوع در این کشور را به عنوان یک جنایت بین‌المللی در نظر بگیرند و از مقام‌های طالبان دربارهٔ آزارهای شدید و سیستماتیک زنان، پاسخ بخواهند. موصوف در جریان نمایاندن گزارش جدید خود از وضعیت افغانستان به شورای حقوق بشر سازمان ملل گفت که اقدام‌های طالبان می‌تواند در موضوع «آزار و اذیت جنسی» جنایت علیه بشریت توصیف شود. وی همچنان گفت که افغانستان چندین دهه است که در مورد جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر، معافیت از مجازات را تجربه کرده است. گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر سازمان ملل با توضیح مأموریت خود گفت که تیم او در حال مستندسازی و حفظ اطلاعات درباره‌ی جنایات در افغانستان است.

سیما بھوت، مدیر اجرایی بخش زنان ملل متحد از این سازمان خواست، از دولت‌هایی حمایت کند که می‌خواهند سرکوب شدید زنان توسط طالبان را بطور رسمی «آپارتاید جنسیتی» اعلام کنند. او گفت که بیش از ۵۰ فرمان وحشتناک طالبان با جدیت بر زنان تطبیق می‌شود و مردان خانواده نیز در تطبیق این فرمان‌ها نقش دارند. به گفته خانم بھوت، این امر سبب تشدید مسایل مرتبط به سلامت روانی شده، انگیزه خودکشی را به ویژه بین زنان جوان تقویت کرده و حتی قدرت تصمیم‌گیری زنان را در درون خانه‌های شان محدود نموده است. به قول او، محدودیت‌ها بالای زنان منجر به افزایش ازدواج کودکان، کار این قشر و مشکلات در سلامت روانی آنان شده است. گزارش سازمان عفو بین‌الملل که اخیراً منتشر شده است نیز، ارقام تکان‌دهنده‌ای را نشان می‌دهد که طالبان با سرعت و با سیاست‌های اقتدارگرایانه شدید خود در برابر زنان، یک «آپارتاید جنسیتی» تمام عیار را در افغانستان رقم زده اند.

تمام گزارش‌های نهاد های بین‌المللی و رسانه‌ها بیانگر آنست که طالبان تمام ماده‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر را در بیش از دو سال گذشته نقض و زنان را از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم کرده‌اند. افزون بر این، این گروه متهم به ارتکاب جرایم ضد بشری از جمله جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی و حذف سیستماتیک و ساختارمند زنان نیز شده است.

حقیقت امر این است که آنچه امروز در افغانستان اتفاق می‌افتد نماد واقعی یک آپارتاید جنسیتی در برابر زنان است. تعیین شیوه پوشش بدوی برای زنان و استفاده از مردان خانواده بعنوان مجری این طرح، در کنار محدودیت جلوگیری طالبان از آموزش دختران و جلوگیری از حق کار و فعالیت های اقتصادی زنان، ثابت کرده است که طالبان به شیوه استراتژیک و بنیادی به دنبال کنترل کامل جسم و ذهن نیمی از جمعیت جامعه هستند تا هدف بزرگترشان که همانا جلوگیری از ایجاد یک جامعه آزاد و دموکراتیک، ترقی خواه و مرفه است را کمایی کنند.

هیچ کس نمی‌تواند بحران انسانی فاجعه‌بار کنونی را که افغانستان با آن دست و پنجه نرم می‌کند انکار کند. همچنین نمی‌تواند فقر شدید و ناامیدی فزاینده‌یی را که طالبان بانی آن هستند، نادیده بگیرد. با وجود بازتاب خواسته های زنان زیر ستم وحشیانه گروه طالبان در نهادهای بین المللی، قدرت های بزرگ و در راس دولت ایالات متحده امریکا و شرکای شان و برعلاوه قدرت های منطقه‌یی بخاطر حفظ منافع استراتژیک شان در تلاش اند تا به هر وسیله ممکن با این رژیم منحط د رکابل در تعامل‌های امنیتی، استخباراتی، سیاسی و اقتصادی باشند و منافع ملی مردم افغانستان، حقوق و آزادی های مردم و به ویژه حقوق اساسی زنان را در این کشور نادیده بگیرند. آنها با این رفتار دوگانه به طور مستقیم یا غیر مستقیم خشونت سیستماتیک و آپارتاید جنسیتی رژیم طالبان را به نحوی مشروعیت می‌بخشند و زیر نام مبارزه با فاجعه انسانی جاری در کشور، حقوق اساسی مردم افغانستان، به ویژه زنان افغانستان را بی اهمیت جلوه می‌دهند. فراموش نباید کرد که مسوولیت هر دو بحران بر عهده قدرت های بزرگ بین المللی در راس دولت ایالات متحده امریکا و شرکا یکجا با پادوهای داخلی و رژیم دست نشانده شان طالبان است. دیر یا زود، جهان بهای این تعامل ننگین را خواهد پرداخت.

بارها به اثبات رسیده است که در نظر نه گرفتن خواسته های اساسی و انسانی مردم توسط حکومت‌های جبار در نهایت به شکست حتمی آنها مواجه می‌گردد و مردم در مجموع اجازه نمی‌دهند که حقوق انسانی زنان و دختران شان قربانی همچو معامله‌های خاینانه گردد. مردم افغانستان از نهادهای بین المللی و دولت‌ها می‌خواهند که آپارتاید جنسیتی موجود در این کشور را به رسمیت شناخته و با آن به صفت جرایم ضد بشری و جنایت علیه بشریت برخورد قاطع صورت گیرد.

حالا که سال پر از نگبت، جنگ، بحران و بربادی بخش بزرگی از جمعیت جهان به پایان رسیده است و امید چندانی برای بهبود وضعیت درسال نو ترسایی نیز وجود ندارد، ضرور است که فعالان و مبارزان حقوق زن و سازمان های زنان در داخل و خارج از کشور همراه با برادران شان در تمام کشورهای جهان و به ویژه در کشورهای غربی بیشتر از گذشته در راه مبارزه حق، عدالت و آزادی، و به رسمیت شناخته شدن اپارتاید جنسیتی در افغانستان متحدانه عمل و مبارزه کنند و در این راه گام های استوارتر به پیش بگذارند. نباید هیچ فرصتی را در این زمینه از دست داد.

دستگیر صادقی

اول جنوری ۲۰۲۴

www.hoqooq.eu